گذری بر کتاب
«آرمان ها و واقعیت های اسلام»
تألیف سید حسین نصر

در ستایش سنت گرا

خسرو ناقد

در دو دهه اخیر تعداد بیشماری کتاب به زبان های مختلف درباره اسلام و سرزمین های اسلامی در کشورهای غربی منتشر شده که از لحاظ وسعت نشر و پخش و تنوع موضوع تا کنون بی سابقه بوده است. اما متأسفانه بخش اعظم این آثار توسط خبرنگاران، روزنامه نگاران و یا نویسندگان دون مایه ای نوشته شده است که شناختی اندک و خام از مشرق زمین و به ویژه از اسلام دارند. اینان اغلب پس از سفر یا اقامت نسبتاً کوتاهی در یکی از کشورهای شرقی کتابی به رشته تحریر می کشند و از سر تفنن به داوری درباره ملت ها و سرزمین هایی می نشینند که عمق ریشه های ستبر فرهنگ و تمدنشان به آغاز تاریخ مکتوب انسان می رسد.

مهمتر از همه اینکه حوادث کم اهمیت سیاسی و وقایع زودگذر تاریخی را بهانه قرار می دهند تا از این طریق دعوی های بی معنی خود را به اثبات رسانند. البته به این نکته هم باید اشاره کرد که نظیر چنین گزارش ها و کتاب ها و داوری های بی پایه و اساس در نزد نویسندگان و روزنامه نگاران کشورهای شرقی نیز یافت می شود. اینان نیز، چشم سر گشوده و چشم جان بسته، به غرب ستیزی گنگ و سبعمی دچار شده و در داوری های شتابزده خود، تنها چشم به دیدن خطاها و زشتی های جوامع غربی گشوده اند؛ بی آنکه از عواملی که در غرب سبب شکوفایی استعدادها و رشد و گسترش هنرهای گوناگون شده است سخنی به میان آورند و یا سهمی در یافتن راه های آگاهانه و عادلانه داد و ستد فرهنگی و فکری میان شرق و غرب داشته باشند. خوشبختانه در میان کتاب هایی که اخیراً در مورد مشرق زمین در کشورهای غربی منتشر شده است، آثاری نیز یافت می شود که اگر چه شمارشان اندک است، ولی نویسندگان این آثار به طور جدی خود را با فرهنگ و تاریخ و تمدن سرزمین های شرق مشغول داشته و کتاب هاشان حاصل پژوهش های گسترده، مطالعات همه جانبه و فعالیت های علمی طاقت فرسایی است که چه بسا عمری بر سر آن گذارده شده است.

یکی از معدود متفکران ایرانی مسلمان که در آثارش کوشیده است تا در راه رفع این کمبود گام بردارد و به مسایل مهمی که مسلمانان، به خصوص جوانان مسلمان کشورهای مختلف، در حال حاضر با آن روبرو هستند، بپردازد و تا اندازه ای نیز موفق شده است که نظر اندیشمندان و روشنفکران را در شرق و غرب به آرا و افکار خود جلب کند، دکتر سید حسین نصر، رئیس سابق انجمن فلسفه ایران و استاد مطالعات اسلامی دانشگاه جورج واشینگتن آمریکاست. از این فرزانه ایرانی تا کنون نزدیک به پنجاه اثر انتشار یافته است که تقریباً همه آنها به زبانهای گوناگون ترجمه شده و برخی از آنها چند بار تجدید چاپ شده است. به تازگی دو کتاب از وی به زبان فارسی نیز ترجمه شده که عنوان اولین کتاب «معرفت و امر قدسی»[1] و دومین اثر «آرمانها و واقعیتهای اسلام»[2] است. معرفی و نقد کتاب اخیر مقصود نوشته حاضر است.

مجموعه مقالات به هم پیوسته ای که در کتاب «آرمانها و واقعیتهای اسلام» فراهم آمده است، حاصل و چکیده سلسله سخنرانی های دکتر سید حسین نصر است که در سال تحصیلی ۶۵ - ۱۹۶۴ میلادی در دانشگاه آمریکایی بیروت ایراد گردید و نخستین بار در سال ۱۹۶۶ به صورت کتاب به زبان انگلیسی به چاپ رسید.[3] کتاب دارای یک پیشگفتار و شش فصل است:

فصل اول) اسلام: آخرین دین اصیل؛ مشخصات عام و ویژگی های آن.

فصل دوم) قرآن: کلام الله؛ سرچشمه معرفت و سلوک.

فصل سوم) پیامبر و سنت نبوی: خاتم الانبیا و انسان کامل.

فصل چهارم) شریعت: احکام الهی؛ هنجار اجتماعی و انسانی.

فصل پنجم) طریقت: عرفان و ریشه های آن در قرآن.

فصل ششم) سنی و شیعه: شیعه اثناعشریه و اسماعیلیه.

نویسنده در آغاز کتاب و پیش از آنکه به موضوع اصلی، یعنی اسلام و مسائل مربوط به آن در عصر جدید بپردازد، اشاراتی دارد به مفهوم کلی دین، رابطه خدا و انسان و نیازهای معنوی و روانشناختی انسان ها.

در مقاله های این کتاب سعی شده است تا اصول اساسی اسلام و آنچه در همه شاخه های گوناگون این دین اعتبار دارد، به گونه ای برجسته نشان داده شود. با وجود این در بررسی معتقدات اهل سنت و شیعه، بر تفاوت های موجود میان این دو شاخه اصلی در اسلام سرپوش گذارده نشده است؛ زیرا نویسنده بر این باور است که این تفاوت ها در چشم انداز آینده اسلام جایگاه خود را دارا است. دکتر نصر برای عرفان اسلامی و تأثیرات آن در حیات اجتماعی و فکری اسلام اهمیت خاص قایل است. از این رو فصل جداگانه ای را به بحث و بررسی در این زمینه اختصاص داده است. مخاطبان اصلی این کتاب را می توان به چند گروه تقسیم کرد. در درجه اول روی سخن با نسل جوان سرزمین های اسلامی است که به دلیل تأثیرات «تعلیم و تربیت مدرن»، از اصل خود به دور مانده و شدیداً تحت تأثیر نفوذ «مدرنیسم» قرار گرفته و از جنبه های معنوی و عقلانی اسلام به دور مانده است. استاد نصر در این کتاب همچنین کوشیده است تا به اتهامات و تعرضات نویسندگان غربی علیه دین اسلام، به خصوص آنجا که به بنیادهای اصلی معتقدات مسلمانان، چون قرآن و حدیث مربوط می شود، پاسخ گوید. از این رو، در استدلال های خود تمام نوشته هایی را که در این باره به زبان های اروپایی تألیف شده است، مدّ نظر دارد. با این وصف در پیشگفتار کتاب متذکر می شود که قصد نقد و بررسی همه جانبه آثار شرقشناسان را ندارد، بلکه درصدد است تا از دیدگاه اسلام نشان دهد که چرا عقاید برخی دانشمندان غربی در مواردی برای مسلمانان قابل قبول نیست. ذکر مثالی در این زمینه بی شک برای آشنایی با روش استدلالی دکتر نصر سودمند خواهد بود. وی معتقد است که یکی از تهمت های سنگین و در عین حال ناروایی که به اسلام می نهند، این است که می گویند «اسلام دین شمشیر است». او ضمن اشاره به دیدگاه های اسلام و مسیحیت در مورد جنگ، می کوشد تا به این مسأله مهم پاسخ گوید و می نویسد: «این اتهام بسیار سنگینی است که باید به تفصیل به آن پرداخت. بلی درست است، اسلام حتی برای جنگ نیز احکامی دارد. واقعیت این است که مسیحیت از لحظه ای که به دین تمدن و امپراتوری بزرگی بدل گردید، مجبور شد شمشیر به دست گیرد، تا بدین وسیله قادر به ادامه حیات باشد و پابرجا بماند. مسیحیت در یک لحظه تاریخی باید تصمیم خود را می گرفت که آیا می خواهد دین راهبین باقی بماند و یا به دین تمدنی عظیم بدل شود. بدیهی است که گزینش راه اخیر مسؤولیت حکمرانی و جنگ کردن را نیز با خود داشت.

پادشاهان مسیحی چون شارل کبیر یا لوئی نهم ـ ملقب به لوئی مقدس ـ یقیناً با همان سرسختی و خشونت به جنگ می پرداختند که این یا آن حکمران مسلمان. جنگجویان مسیحی در میدان های کارزار به هیچ وجه نرم دل تر و بلندنظرتر از حریفان مسلمان خود نبودند. اسپانیا و آناتولی تقریباً همزمان به تصرف مسیحیان و مسلمانان در آمدند؛ با این تفاوت که در اسپانیا تمام مسلمانان یا کشته شدند و یا رانده؛ به طوری که حتی یک فرد مسلمان نیز در آن دوران در اسپانیا زنده نماند. در مقابل، مغز کلیسای ارتدکس هنوز در ترکیه است.

باری، این اتهام که اسلام دین شمشیر است از بنیاد بی اساس است. اسلام با وضع قوانینی برای جنگ، حدّ و مرزی برای آن تعیین نموده است؛ در مقابل، مسیحیت جنگ را خارج از حوزه اختیارات و تأملات خود گذارد. از این رو اسلام، به جای آنکه جنگ را همچون پدیده ای که وجود خارجی ندارد، نادیده گیرد، به آن پرداخته و برایش قوانینی مذهبی وضع نموده است تا به این طریق حتی الامکان از گسترش و زیان های آن بکاهد. لاقل می توان گفت که وحشتناک ترین جنگ های این قرن از جهان اسلام برنخاستند، بلکه از آنجا برخاسته است که برخی آن را «غرب پساسیحی» (post-christlicher Westen) نامیده اند. "البته این به معنای گناهکار دانستن مسیحیت در برپایی این جنگ ها نیست؛ زیرا نیک می دانیم که این جنگ ها از جامعه ای برخاستند که بارها به طرق گوناگون علیه مسیحیت سر به طغیان برداشته است. نویسنده سپس خاطر نشان می سازد که هیچ وجه قصد انتقاد از مسیحیت را ندارد، بلکه هدفش بیشتر دفاع از اسلام است در برابر حملات مودیانه ای که از سوی عده بسیاری در غرب به این دین می شود. وی افزون بر این در موارد متعددی به مکتب های فلسفی مدرن و اثرات سوء آنها در کشورهای اسلامی پرداخته و به طور ضمنی و یا صریح، از دیدگاه اسلام به آنها پاسخ گفته است. البته بدیهی است که برای نویسنده غیر ممکن بوده است تا در صفحات محدود این کتاب به تمام جریانات فکری مدرن و اصولاً مدرنیسم در تمامی ابعادش بپردازد. هر چند که خواننده علاقه مند و کنجکاو می تواند با مراجعه به دیگر آثار دکتر نصر، که اغلب به زبانهای اروپایی ترجمه شده است، با آرا و افکار این متفکر ایرانی درباره مکتب های مدرن آشنا شود.[4] گذشته از این، نصر همواره از افراط و تفریط پرهیز داشته و در نوشته ها و گفت و شنودهایش به کرات خاطر نشان ساخته که «متفکر حقیقی برای آنکه مکتبی را بشناسد، باید با آن روبرو شود و از آن آشنایی کافی یابد و آنگاه به نقد و رد آن بپردازد... پس بهتر آن است که اجازه داده شود عقل در سیری متعادل هر نوع اندیشه ای را که در عالم وجود دارد، بشناسد و با تجزیه و تحلیل و شناخت آن، از نکات مثبت بیاموزد و بخش های منفی را طرد کند. این حرکت درست باعث می شود که ما از ترک کردن سنت فکری خود و تبدیل شدن به روشنفکری غربی به جای متفکری ایرانی دست برداریم».[5] از این رو بی سبب نیست که در فهرست منابعی که نویسنده در تألیف این کتاب از آنها سود برده است، در کنار منابع معتبر اسلامی، به اسامی دانشمندانی چون تئودور نولدکه (Theodor Noeldke)، همیلتون گیب (Hamilton Gibb)، ایگناز گلدتسیهر (Ignaz Goldziher)، لوئی ماسینیون (Louis Massignon) و هانری کربن (Henry Corbin) بر می خوریم که ارزش علمی و تاریخی آثارشان بر اهل نظر پوشیده نیست. اما دکتر نصر برای رفع هرگونه سوءتفاهم، تأکید می کند که مقالات این کتاب در درجه اول به منابع اسلامی و به ویژه به قرآن، حدیث و مراجع سنتی معتبر متکی است؛ و اینکه کوشیده است تا از دیدگاه اسلام سنتی، نظرات خود را تشریح کند. نویسنده با توضیح تمام از کتاب «فهم اسلام»، اثر مشهور فریتیوف شوان[6] به عنوان چشمه پایان ناپذیری یاد می کند که از آن در نگارش کتاب سود بسیار برده است. او این اثر را در نوع خود بهترین کتابی می داند که تا کنون به یکی از زبانهای اروپایی درباره این پرسش اساسی نوشته شده است که چرا مسلمانان به اسلام معتقدند و چگونه همه آنچه را که انسان از لحاظ معنوی و روحی نیاز دارد به او عطا می کند.

نویسنده بدون آنکه در مقاله ای جداگانه به بررسی ادیان دیگر بپردازد، در جای جای کتابش رابطه و نزدیکی میان ادیان الهی بزرگ را نشان می دهد و به شباهت های بارزی که میان آنها وجود دارد اشاره می کند. اما در عین حال متذکر می شود که بر خلاف این عقیده رایج که تمام ادیان را در نهایت برابر می داند، وی در بررسی های خود نه تنها به شباهت های ساختاری، بلکه همچنین به تفاوت های نیز که میان اسلام و دیگر ادیان وجود دارد، پرداخته است. در این مورد بیش از همه تشابهات و تفاوت های موجود میان اسلام و مسیحیت را مورد توجه قرار داده است. نویسنده در سه فصل نخست کتاب به موازات تشریح اصول اساسی اسلام و مقام قرآن در نزد مسلمانان و شخصیت و جایگاه پیامبر اسلام، اشاراتی نیز دارد به اصول اعتقادی و مقدسات مسیحیان؛ و ضمن برشمردن تشابه ها و تفاوت های موجود میان مسیحیت و اسلام، به دشواری هایی که بر سر راه ایجاد تفاهم میان ادیان مختلف وجود دارد، می پردازد.

یکی دیگر از تفاوت هایی که نویسنده معتقد است به موجب آن مسیحیان در غرب در درک دیدگاه های اسلامی دچار اشکال می شوند، برداشت متفاوتی است که مسلمانان و مسیحیان از رابطه با نسبت میان خدا و انسان دارند. در مسیحیت خداوند رمز و راز (Mystery) است و از دید انسان مستور. زیبایی و جذابیت نهفته در مسیحیت از همین برداشت رازگونه از خداوند و سر تعظیم فرود آوردن به این «رمز و راز غیر قابل درک» سرچشمه می گیرد. در اسلام، برعکس، این انسان است که با پرده ای از خدا جدا مانده است. وجود الهی از او پوشیده نیست؛ تنها حجابی میان حق و بنده قرار دارد که از طریق جدّ و جهد انسان از میان برداشته خواهد شد و او می تواند با دریدن پرده به شناخت باری تعالی نایل آید؛ و در این راه خرد خداداد انسان یار و یاور اوست.

دریغا که دکتر سید حسین نصر در این کتاب، جز یکی دو مورد، از اشعار سرایندگان پارسی زبان سود نجسته است؛ و در حالی است که ایشان ضمن گفت و شنودی تأکید دارند که «فلاسفه اسلامی ـ ایرانی که در قلمرو اندیشه اسلامی به فلسفه می پرداخته اند، دو نوع بوده اند: یکی آنان که مستقیماً آثار فلسفی نوشته اند و تحت عنوان فیلسوف شناخته شده اند و دیگر آنان که در قالب شعر و دیگر آثار ادبی، مطالب فلسفی نگاشته اند... اکثر شاعران قدیم، از جمله نظامی و فردوسی، هم شاعر بوده اند و هم فیلسوف به معنای اعم آن.»[7] این کمبود به ویژه در فصلی که به عرفان اسلامی پرداخته شده است، بیشتر به چشم می خورد؛ زیرا استاد خود نیز نیک می دانند که زبان عرفان اسلامی، زبان شعر است. چه بسیار شواهد زیبا و مثال های پُرمعنا در دنیای شاعران پارسی زبان یافت می شود که می توانست به جذابیت بیشتر این فصل بیفزاید و در کتاب روح شرقی بدمد.

پانوشت ها:

1)Nasr, Seyyed Hossein. Die Erkenntnis und das Heilige. Aus dem Amerikan. von Clemens Seiten.438/1990 Wilhelm. Muenchen Diederichs, (Knowledge and the Sacred. Bei Crossroad Publishing Company, New York1981

از این کتاب دو ترجمه به زبان فارسی منتشر شده است؛ با این مشخصات:

معرفت و معنویت. دکتر سید حسین نصر. ترجمه انشاءالله رحمتی. دفتر پژوهش و نشر سهروردی. تهران، ۱۳۸۰.

معرفت و امر قدسی. سید حسین نصر. ترجمه فرزاد حاجی میرزائی. نشر و پژوهش فرزان روز. تهران، ۱۳۸۰.

2)Nasr, Seyyed Hossein. Ideal und Wirklichkeit des Islam. Aus dem Englischen von Clemens Wilhelm. Bearbeitet von Jost G. Blum. Muenchen Seiten. (Ideals and Realities238/1993 Diederichs, of Islam. Bei Unwin & Hyman, London1988

این کتاب اخیراً به فارسی ترجمه شده است: آرمان ها و واقعیت های اسلام، سید حسین نصر، ترجمه شهاب الدین عباسی، دفتر پژوهش و نشر سهروردی، تهران ۱۳۸۳.

۳) این کتاب تا کنون به زبان های ایتالیایی (چاپ نخست سال ۱۹۷۴ میلادی)، عربی (۱۹۷۴)، فرانسوی (۱۹۷۵)، هندی (۱۹۸۱)، ترکی (۱۹۸۵)، لهستانی (۱۹۸۸) و آلمانی (۱۹۹۳) ترجمه و منتشر شده است.

۴) نگاه کنید به: کتابشناسی آثار سید حسین نصر. ماهنامه فرهنگی هنری کلک. شماره ۴۲ - ۴۴ مهر و آبان ۱۳۷۲.

۵) گفت و شنود با سید حسین نصر. ماهنامه فرهنگی هنری کلک. شماره ۴۳ - ۴۴ مهر و آبان ۱۳۷۲.

6)Schuon, Frithjof. Comprendre l'Islam. Paris Den Islam verstehen. Eine Einfuehrung in). 1961 die innere Lehre und mystische Erfahrung einer Weltreligion. Bern/Muenchen/ Wien1988

۷) نگاه کنید به پانوشت شماره ۵.